

Security action strategy of Persian Gulf actors on the goals of trans-regional powers

Seyedmohammad Mosavi¹, Ghafar Zarei², Amin Ravanbod³

Date of Received: 2023/04/05

Date of Acceptance: 2023/09/01



۱۳۱

رامبد امینی بازگران خلیج فارس بر اهداف قدرتهای ...

Abstract

The application of security action by the governments of the Persian Gulf is of great importance considering the past and the future of the region. The type of attitude of the countries of the Persian Gulf region towards the perception of security and the corresponding functions has provided a basis for regional actors individually and Collectively move towards specific security goals. According to the main topic of the research, this question is raised, what effect does the application of the endogenous security of the Persian Gulf countries have on the goals of the trans-regional powers? And the main hypothesis is that the application of the endogenous security strategy among the actors of the Persian Gulf region can provide the ground for convergence and interaction

1. PhD student, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran
M.mosavi547@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran. (Responsible author) , ghafarzarei@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran. a.ravanbod@yahoo.com

 Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

according to the political and economic potentials in the region and weaken the security project of the great powers. The theoretical framework of the research is based on the theory of regional security and the research method is descriptive-analytical and uses documentary and library sources.

Keywords: endogenous security, Persian Gulf, great powers, Iran.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۳۲

سال سیزدهم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۲



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۱۳۳

راهدرد کنش امنیتی بازیگران خلیج فارس بر اهداف قدرت‌های ...

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام

فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲، صص ۱۴۹ - ۱۳۱

راهدرد کنش امنیتی بازیگران خلیج فارس بر اهداف قدرت‌های فرامنطقه‌ای

محمد موسوی^۱

غفار زارعی^۲

امین روانید^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۲

چکیده

کاربست کنش امنیتی از سوی دولت‌های خلیج فارس با توجه به گذشته و آینده منطقه از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. نوع نگرش کشورهای منطقه خلیج فارس به برداشت امنیت و کارکردهای متناسب با آن زمینه‌ای را فراهم نموده است تا بازیگران منطقه‌ای بصورت فردی و جمعی به دنبال اهداف امنیتی خاصی حرکت نمایند. با توجه به موضوع اصلی پژوهش این سؤال مطرح می‌شود که کاربرد امنیت درون‌زای کشورهای خلیج فارس چه تاثیری بر اهداف قدرت‌های فرامنطقه‌ای دارد؟ و فرضیه اصلی بر اینست که بکارگیری استراتژی امنیت درون‌زا در میان بازیگران منطقه خلیج فارس می‌تواند زمینه همگرایی و تعامل را با توجه به پتانسیل‌های سیاسی و اقتصادی در منطقه فراهم نماید و پروژه امنیت‌سازی قدرت‌های بزرگ را تضعیف نماید. چارچوب نظری پژوهش، مبتنی بر نظریه امنیت منطقه‌ای و روش تحقیق نیز از نوع روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: امنیت درون‌زا، خلیج فارس، قدرت‌های بزرگ، ایران.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران M.mosavi547@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. (نویسنده مسئول) ghafarzarei@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. a.ravanbod@yahoo.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose



جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس با توجه به ترسیم چهره نوین امنیت در خلیج فارس، بدنبال خروج نیروهای بیگانه از خلیج فارس و منطقه غرب آسیا می‌باشد و هرگونه پیوند کشورهای منطقه با قدرت‌های فرا منطقه‌ای را بر اساس یک رابطه غیر ضروری و غیر واقعی قلمداد می‌نماید. در واقع تاکید بر امنیت درون‌زا یکی از مولفه‌های مهم در حوزه روابط کشورهای خلیج فارس می‌باشد که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خلیج فارس می‌تواند آثار و پیامدهای مهمی برای آینده روابط کشورهای درون منطقه بدنبال داشته باشد. خلیج فارس از جمله نقاط استراتژیک در حوزه روابط بین‌الملل است که به لحاظ موقعیت و تاثیر آن بر معادلات منطقه‌ای و جهانی از ارزش سوق الجیشی خاصی برخوردار است. ایران به دلیل داشتن بیشترین سواحل در خلیج فارس و همچنین پتانسیل‌های بالایی که می‌تواند نقش مهمی در امنیت منطقه ایفا کند، به دنبال جلب همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس و متقاعد کردن آنها بر مبنای عدم حضور و نفوذ بیگانگان در منطقه و ایجاد الگوی امنیت دسته جمعی در مقابل الگوی ثبات هژمونیک مورد پذیرش اعراب، بوده است (اسدی، ۱۳۸۱: ۱۰). ابعاد قدرت جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی‌ها و امیرنشین‌های خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی در دو بعد نظامی و اقتصادی گسترده و قابل توجه است و تهران و ریاض دو قدرت بزرگ منطقه به‌شمار می‌آیند. قابلیت‌های تهاجمی کشورهای ساحلی خلیج فارس نیز چه با تکیه بر توان داخلی و چه با پیوستن به قدرت‌های خارجی طی چهار دهه گذشته به‌رغم برخی فراز و نشیب‌ها در موازنه میان ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس رو به رشد بوده است. نگرانی اعراب خلیج فارس از احتمال برهم خوردن توازن منطقه‌ای به نفع ایران در صورت ترك منطقه از سوی نیروهای آمریکایی، عمده‌ترین دلیل عدم استقبال کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس^۱ از طرح‌های مبتنی بر امنیت درون‌زا^۲ و تأمین ثبات منطقه با مشارکت انحصاری دولت‌های ساحلی است. در واقع شدت بی‌اعتمادی متقابل میان دو سوی خلیج فارس به اندازه‌ای است که فهم مشترك کشورهای ساحلی از پدیده امنیت منطقه‌ای را اگر نه غیر ممکن، دست‌کم بسیار دشوار ساخته است. اما برای حل این مساله می‌بایست راه حل‌های وجود داشته باشد و کشورهای منطقه از طریق روش‌های سیاسی و همکاری اقتصادی در جهت حل موضوع اقدام نمایند. واضح است که قدرت‌های فرامنطقه‌ای (ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین و روسیه) از شکاف امنیتی و سیاسی میان کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله کشور ایران و دولت‌های عربی نهایت

1. Gulf Cooperation Council (GCC)
2. Endogenous Security

استفاده و منفعت اقتصادی و سیاسی را می برند و از حرکت کشورهای منطقه خلیج فارس به سمت و سوی امنیت درون زا بدون اتکا و وابستگی به قدرت های فرا منطقه ای راضی نمی باشند در این زمینه می توان به نقش قدرت های فرا منطقه ای با اعضای شورای همکاری خلیج فارس در صدور بیانیه های مرتبط با جزایر ایرانی و پرونده هسته ای اشاره نمود.

چارچوب مفهومی

نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای از سوی اندیشمندانی مانند باری بوزان^۱ و اوله ویور^۲ جزو محدود نظریه های برجسته روابط بین الملل به شمار می آید که بر تجزیه و تحلیل در سطح منطقه ای تأکید دارد. یک مجموعه امنیتی منطقه ای را مجموعه ای از واحدها که در آن فرایندهای اصلی امنیتی سازی و یا امنیتی زدایی چنان درهم تنیده شده اند که مشکلات امنیتی به لحاظ منطقی به طور جداگانه قابل تحلیل یا حل و فصل نیستند، تعریف می کنند. (بوزان و ویور: ۲۰۰۳: ۴۴) چنین مجموعه هایی با الگوهای دیرینه (اما نه دایمی) دوستی و دشمنی تعریف می شوند و شکل الگوهای وابستگی متقابل امنیتی که به لحاظ جغرافیایی منسجم و زیر-جهانی هستند را به خود می گیرند. به عبارت دیگر، مرکز پیکربندی های منطقه ای از نظم را ادراکات مربوط به امنیت و ناامنی تشکیل می دهد، به طوری که روابط میان بازیگران منطقه ای بر پایه ساختار ادراکات بنا می گردد. از نظر باری بوزان مفهوم امنیت گسترده شده است و در برگیرنده موارد متعددی می باشد که امنیت منطقه ای را نیز در بر می گیرد. رویکرد بوزان بیشتر مبتنی بر جامع نگرانی به حوزه امنیت است؛ و در حالی که او تجزیه و تحلیل خود را با اعتقادات نئورئالیستی مانند هرج و مرج، آغاز می کند. در نظریه باری بوزان، از همه جنبه ها به امنیت نگریسته شده است. (Buzan, 1991: 19) ساختار بنیادین هر مجموعه امنیتی منطقه ای از چهار متغیر اساسی تشکیل می شود. نخست، مرز^۳ که مجموعه امنیتی منطقه ای را از دیگر واحدها جدا می سازد. دوم، ساختار آنارشیک^۴ که به معنای وجود دو یا چند واحد خودمختار در درون چنین مجموعه ای است. سوم، قطبیت^۵ که معادل توزیع قدرت میان واحدهای مجموعه است. چهارم، ساخت اجتماعی^۶ که شامل الگوهای دوستی و دشمنی میان



1. Barry Gordon Buzan.
2. Ole Weaver
3. Boundary
4. Anarchic Structure
5. Polarity
6. Social Construction



واحد‌ها می‌شود (Buzan and Weaver, 2003: 53). منظور از دشمنی در اینجا، بدگمانی و ترس حاکم بر مناسبات دو یا چندجانبه میان واحد‌ها است و دوستی نیز به گستره‌ای از برهم‌کنش‌های مبتنی بر ابراز حسن‌نیت تا انتظار پشتیبانی و انعقاد پیمان‌های همکاری میان واحد‌ها اشاره دارد. در حقیقت از چشم‌انداز بوزان و ویور، شکل استاندارد مجموعه امنیتی منطقه‌ای، الگویی از رقابت، توازن قوا و صف‌بندی میان قدرت‌های اصلی منطقه است که باید تأثیرات نفوذ قدرت‌های خارجی را نیز به آن افزود. همپوشانی زمانی اتفاق می‌افتد که یک یا چند واحد سیاسی به‌طور همزمان به بیش از یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای تعلق داشته باشند. با اینکه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از چشم‌انداز بوزان و ویور به‌طور متقابل انحصاری تلقی می‌شوند، اما درعین حال آنها می‌پذیرند که مواردی همچون وجود دولت‌های جداکننده یا اتکای دولتی ضعیف واقع در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای به یک بازیگر قدرتمند مستقر در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دیگر بعضاً مرز میان مناطق را مبهم می‌سازد. تا جایی که نمونه‌های قوی پویایی‌های میان منطقه‌ای^۱ ممکن است نشان‌دهنده دگردیسی بیرونی مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای تا سطح ادغام باشند (Buzan and Weaver, 2003: 49). نفوذ نیز به‌مثابه «سازوکار پیونددهنده الگوی سراسری توزیع قدرت میان بازیگران بزرگ جهانی به پویایی مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای» به‌طور عمده هنگامی اتفاق می‌افتد که «قدرت‌های خارجی با واحدهای سیاسی واقع در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای صف‌بندی امنیتی ایجاد می‌کنند.» پیاده‌سازی این سازوکار بر پایه منطق موازنه قدرت صورت می‌گیرد. منطق موازنه قدرت که دورن هر منطقه وجود دارد، برخی دولت‌ها را به‌سمت هم‌پیمانی با قدرت‌های خارجی سوق می‌دهد تا بتوانند بر دیگر واحدهای سیاسی واقع در مجموعه امنیتی خود برتری جویند. (Buzan and Weaver, 2003: 46-47). نفوذ را می‌توان به‌مثابه بزرگترین مانع تحقق امنیت درون‌زا در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای معرفی کرد. امنیت درون‌زا مفهومی مبتنی بر امنیت شبکه‌ای است که درمقابل مفهوم امنیت برون‌زا^۲ قرار می‌گیرد. در حالت امنیت درون‌زا، امنیت شبکه ازسوی بازیگران داخل شبکه تأمین می‌شود، درحالی‌که تأمین تمام یا بخشی از امنیت در حالت امنیت برون‌زا ازسوی یک یا چند مدافع بیرونی صورت می‌پذیرد (de Witte, 2015: 11). موازنه میان امنیت درون‌زا و برون‌زا در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را می‌توان با توسل به نظریه موازنه تهدید نشان داد. نظریه موازنه تهدید که نخستین بار از سوی استفن والت در چارچوب نظریه نواقع‌گرایی تدافعی^۳ ارائه شد به بررسی رابطه

1. Interregional
2. Exogenous Security
3. Defensive Neorealism


 فصلنامه علمی - پژوهشی
 مجله دراستداعام الاسلامی

شکل‌گیری صف‌بندی‌های امنیتی و ائتلاف‌های نظامی-سیاسی با «احساس تهدید» از سوی دولت‌ها می‌پردازد. برپایه این نظریه، دلیل ایجاد توازن قدرت نیست، بلکه میزان تهدیدی است که دولت‌ها درک می‌کنند. در حقیقت، دولت‌ها در زمان احساس تهدید یا در مقابل آن توازن ایجاد می‌کنند یا به کشور تهدیدکننده ملحق شوند (Walt, 1985: 4; Walt, 1987: 263). به‌طور خلاصه، نظریه موازنه تهدید معتقد است ائتلاف جهت موازنه علیه تهدیدها شکل می‌گیرد و نه صرف قدرت، تهدیدهایی که از قدرت، مجاورت، قابلیت‌های تهاجمی و نیت توسعه‌طلبانه تهاجمی نشأت می‌گیرند (Little, 2010: 23).

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه تحقیقات و پژوهش‌های متعددی در ارتباط با موقعیت و جایگاه خلیج فارس و تحولات مرتبط با آن انجام گرفته است اما در ارتباط با مفهوم امنیت برون‌زا به عنوان پیش شرط منطقه‌گرایی کشورهای خلیج فارس با توجه به سیاست‌های اتحاد و ائتلافی آنان و چالش‌های آینده کمتر اشاره شده است. برخی پژوهش‌های مرتبط انجام شده در این حوزه را مورد بررسی قرار داده و به آنها اشاره می‌نماییم. برزگر (۱۳۸۶) در مقاله «ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه ای خلیج فارس» بیان می‌دارد که با خروج عراق از یک بازیگر تهدیدگر و تغییر ماهیت امنیتی و همچنین با ورود و افزایش نقش عنصر شیعه در تحولات قدرت و سیاست منطقه و به دنبال آن نزدیکی ایران و عراق، شکل‌گیری یک نظام امنیتی جدید مبتنی بر ویژگی‌ها و واقعیات سیاسی-امنیتی، فرهنگی و اقتصادی منطقه ضروری است. نویسنده ضمن ارائه بعضی ویژگی‌های ترتیبات جدید امنیتی به این نتیجه می‌رسد که بدون همکاری جمعی و متقابل میان تمامی کشورهای منطقه، هیچ نظام امنیت منطقه ای موفق نخواهد بود. رسولی ثانی آبادی (۱۳۹۳) در مقاله «ماهیت اتحادها در خاورمیانه؛ قدرت یا هویت؟» بر این عقیده است که؛ در بررسی ماهیت و علل شکل‌گیری اتحادهای این منطقه، بایستی نقش عوامل هویتی را بسیار کمرنگ دانست و به نقش قدرت و توازن قدرت در کنار توازن تهدید اشاره کرد. نصوحیان (۱۳۸۶) در مقاله «موانع همگرایی و ثبات در منطقه خلیج فارس»، بر این نظر است که اختلافات کشورهای منطقه با یکدیگر، بی‌اعتمادی و فقدان عزم سیاسی زمینه ساز بی‌ثباتی و نفوذ کشورهای فرا منطقه ای به خصوص آمریکا شده است. هر چند گام‌هایی در جهت تقویت همگرایی طی دو دهه اخیر برداشته شده است اما همگرایی در منطقه خلیج فارس به شرط وجود عزم سیاسی، تدوین اسراتژی، همکاری و فعالیت جدی همه کشورهای منطقه در درازمدت قابل دسترسی خواهد بود. هرسیج، ابراهیمی پور، نوعی باغبان (۱۳۹۳) در مقاله «روابط



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۱۳۸

سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

کشورهای عرب منطقه ی خلیج فارس و ایران از منظر منطقه گرایی» به این موضوع اشاره می نمایند که کشمکش ها و منازعات دیرینه ساختاری در خلیج فارس از سال ۱۳۸۳ به بعد شکل آشکارتری به خود گرفته و منجر به شکل گیری علائق و منافع واگرایانه میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس شده است. موسوی (۱۳۸۶) در مقاله «الگوی امنیت منطقه ای در خلیج فارس، تجربه ها و موانع»، به رویکرد دو قدرت مداخله گر انگلیس و آمریکا در تنظیم ترتیبات امنیتی خلیج فارس پرداخته و اختلاف و تعارضات ادراکی بازیگران از ترتیبات امنیتی مورد نظر را بررسی کرده است. الاحمد^۱ (۲۰۲۰) نیز در بخشی از گزارش خود تحت عنوان «امنیت دریایی خلیج فارس: معمایی جاودانی» ذیل اشاره به طرح های تازه برای ایجاد و حفظ امنیت و ثبات در خلیج فارس، خاطرنشان ساخته است که چنین ابتکارهای تنها محدود به بازیگران فرامنطقه ای مانند ایالات متحده، اتحادیه اروپایی و روسیه نبوده است و پوشش صلح هر رمز ایران را معرفی کرده است. وی، هدف عینی این ابتکار را فراهم آوردن زمینه های گفت و گو میان کشورهای جامعه تنگه هرمز شامل عربستان سعودی، امارات، عراق، کویت، ایران، عمان، قطر و بحرین می داند. مقاله هان^۲ و حکیمیان^۳ (۲۰۱۹) با عنوان «مجموعه امنیتی منطقه ای در خلیج فارس: رؤس سیاست های شورای همکاری خلیج فارس در قبال ایران» اشاره کرد که تنش های میان ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را از چشم انداز نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای مورد مطالعه قرار داده است. نویسندگان با درک درست واقعیت های منطقه و تقلیل مناقشه های ایران-شورای همکاری خلیج فارس به ستیزهای تهران-ریاض از ضرورت اتخاذ چارچوب هایی فراتر از رقابت های مذهبی برای تبیین نزاع میان این دو بازیگر سخن می گویند.

روش پژوهش

روش تحقیق از نوع روش کیفی است. تحقیق کیفی عبارت از مجموعه فعالیت هایی (چون مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت های پژوهشی) است، که هرکدام به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست اول، درباره ی موضوع مورد تحقیق یاری می دهند. با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات با بررسی اظهارنظرها، اسناد، بیانیه ها، کتاب، مقاله ها، مجلات، سایت ها، مطبوعات و خبرگزاری ها و آمارنامه ها و تکیه بر داده های عینی-تاریخی صورت پذیرفته و سعی شده است

1. Kameal Alahmad
2. Jianwei Han
3. Hassan Hakimian


 فصلنامه علمی - پژوهشی
 مجله دراست العالم الاسلامی

تا از معتبرترین و جدیدترین اطلاعات آماری و توصیفی مراکز مطالعاتی استفاده شود. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت فیش برداری و با تکیه بر بررسی منابع اسنادی و کتابخانه ای انجام می شود که در نهایت داده های مرتبط با تحقیق را به شیوه فیش برداری، جمع آوری می نماید و سپس برای مرحله تجزیه و تحلیل آماده می سازد. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده از روش تحلیل کیفی استفاده شده است. شامل روش های تحلیلی و تعبیر و تفسیری است؛ که برای رسیدن به یافته ها یا نظریه ها به کار می رود.

امنیت منطقه ای و خلیج فارس

منطقه گرایی به تمایل کشورهای مستقر در یک منطقه برای پرداختن به همکاری های مختلف اعم از سیاسی و نظامی و اقتصادی گفته می شود که هدف اصلی آن ها همکاری های مشترک و متجانس می باشد. هر چند که مفهوم منطقه گرایی در نتیجه تحولات نظام جهانی تا حدودی تغییر پیدا نموده است اما هدف اصلی چنین رهیافتی رسیدن به نقاط اجماع ساز، مبادلات و همگرایی همه جانبه در قالب همکاری منطقه ای می باشد. بنابراین، منطقه گرایی اقدامی در جهت افزایش همکاری بین دولت ها، انتقال تدریجی قدرت به نهادهای فراملی، همگن سازی ارزش ها و ظهور اشکال جدید جامعه سیاسی است. در این چارچوب، همکاری منطقه ای باید بر اساس میزان رشد تعاملات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مبتنی بر هویت مورد توجه قرار گیرد. مفهوم امنیت منطقه ای از ترکیب دو واژه امنیت و منطقه ای می باشد که هر دو واژه ای پیچیده ای هستند که شاید تعریف مشترکی برای آنها نباشد. (مورگان، ۱۳۸۱: ۴۰) بعد از جنگ سرد، مفهوم امنیت بسیار چند وجهی تر شده است. نظریه امنیت منطقه ای، نظریه ای روش شناسانه با سطح تحلیل منطقه ای برای تجزیه و تحلیل منطقه ای و مسائل امنیت بین المللی است. این نظریه می خواهد به فهم منطقه ای محور از جهان برسد. از لحاظ امنیت، منطقه به معنی شبه سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه ای از دولت ها است که از لحاظ جغرافیایی نزدیک یکدیگر باشند. سطح منطقه ای، نقش رابط را در ارتباط متقابل دولت ها و کل سیستم بین المللی بازی می کند. بدون درک این سطح، وضعیت دولت منطقه ای به طور شایسته درک نخواهد شد (بوزان، ۱۳۸۷: ۲۱۳). مجموعه های امنیتی منطقه ای با ساخت گفتمانی مناطق توصیف نمی شوند. امنیت منطقه ای عبارت است از: مجموعه تصورات و تعبیرات از امنیت ملی، که اعضای یک منطقه می توانند از مجموعه سطوح کشمکش در یک منطقه، اعتبارات نظامی و نهاد ها و اتحادیه های جمعی به دست آورند (افتخاری، ۱۳۷۲: ۳۱۹). باری



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعه نرسانت العالم الاسلامی

۱۴۰

سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

بوزان معتقد است: ماهیت ارتباطی امنیت، فهم الگوهای امنیتی یک دولت را بدون درکی اساسی از وابستگی متقابل الگوهای امنیت منطقه‌ای که در آن وجود دارد، ناممکن می‌سازد. (بوزان، ۱۳۸۷: ۴۰) منطقه به عنوان مجموعه‌ای از دولت‌ها تعریف می‌شود که به لحاظ جغرافیایی در نزدیکی هم قرار دارند. در تعریف امنیت منطقه‌ای، عنصر اصلی که باید به روابط قدرت افزوده شود الگوی دوستی و دشمنی بین دولت‌ها می‌باشد. منظور از دوستی اینکه در روابط آنها طیفی متشکل از دوستی واقعی تا انتظار حمایت یا حفاظت وجود داشته باشد. منظور از دشمنی نیز روابطی است که در آن سوء ظن و هراس حاکم می‌باشد. چیزی که این دو قطب را از یکدیگر جدا می‌سازد، فاصله وسیعی متشکل از بی تفاوتی یا بیطرفی است که در آن دوستی و دشمنی یا به قدری ضعیف است که چندان به حساب نمی‌آید یا به طوری به هم آمیخته که گرایش آشکاری به هیچ طرف ندارد (Buzan, 1991: 35). ارتباط کشورها با محیط بیرونی از سه زاویه می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد: روابط اختلاف آمیز که در آن در برداشت منافع، اختلاف وجود دارد اما قابل حل است. روابط تناقض آمیز که با ناسازگاری بنیادین همراه است و به راحتی قابل حل نیست و به گذشت زمان نیاز دارد. و روابط تضاد آمیز که در آن منافع و دیدگاه‌های طرفین در تقابل کامل قرار دارد و مسایل ریشه‌ای تر از آن است که تضارب آرا حل شود. در این موارد رویارویی علنی وجود دارد (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۶۳). بنظر می‌آید که روابط منطقه‌ای بازیگران حوزه خلیج فارس مبتنی بر روابط تضاد آمیز باشد. به همین دلیل است که مساله امنیت نظامی، حضور قدرتهای بزرگ، جنگ‌های نیابتی، تخریب مواضع سیاسی و در نهایت ائتلاف و اجماع بر علیه سایرین جزو سیاست‌های اجتناب ناپذیر در منطقه خلیج فارس می‌باشد.

راهبرد امنیت درون‌زا

امنیت درون‌زا و تاکید بر بکارگیری آن از سوی کشورهای منطقه خلیج فارس، در جهت جلوگیری از حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای از جمله عوامل کلیدی در تدوین استراتژیهای آینده این منطقه می‌باشد که نقش بسزایی در چگونگی سیاست تعامل و همگرایی کشورهای منطقه دارد. امنیت درون‌زا مفهومی مبتنی بر امنیت شبکه‌ای است که در مقابل مفهوم امنیت برون‌زا قرار می‌گیرد. در حالت امنیت درون‌زا، امنیت شبکه از سوی بازیگران داخل شبکه تأمین می‌شود، در حالی که تأمین تمام یا بخشی از امنیت در حالت امنیت برون‌زا از سوی یک یا چند مدافع بیرونی صورت می‌پذیرد (de Witte, 2015: 11). موازنه میان امنیت درون‌زا و برون‌زا در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را می‌توان با توسل به نظریه موازنه تهدید

نشان داده می‌شود. طرح‌های امنیت درون‌زا در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای برای موفقیت، نیازمند حداقل درجاتی از همگرایی امنیتی بر پایه اعتماد میان اعضا هستند تا بتوان از آن به عنوان نقطه شروع استفاده کرد. ساختار بنیادین هر مجموعه امنیتی منطقه‌ای از چهار متغیر اساسی تشکیل می‌شود. نخست، مرز که مجموعه امنیتی منطقه‌ای را از دیگر واحدها جدا می‌سازد. دوم، ساختار آنارشیک که به معنای وجود دو یا چند واحد خودمختار در درون چنین مجموعه‌ای است. سوم، قطبیت که معادل توزیع قدرت میان واحدهای مجموعه است. چهارم، ساخت اجتماعی که شامل الگوهای دوستی و دشمنی میان واحدها می‌شود (Buzan and Weaver, 2003: 53). منظور از دشمنی در اینجا، بدگمانی و ترس حاکم بر مناسبات دو یا چندجانبه میان واحدها است و دوستی نیز به گستره‌ای از بر هم کنش‌های مبتنی بر ابراز حسن‌نیت تا انتظار پشتیبانی و انعقاد پیمان‌های همکاری میان واحدها اشاره دارد. بوزان و ویور (۲۰۰۳: ۴۸-۴۹) نقش بازیگران بیرونی در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را تحت دو مفهوم نفوذ و همپوشانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. در حقیقت از چشم‌انداز بوزان و ویور، شکل استاندارد مجموعه امنیتی منطقه‌ای، الگویی از رقابت، توازن قوا و صف‌بندی میان قدرت‌های اصلی منطقه است که باید تأثیرات نفوذ قدرت‌های خارجی را نیز به آن افزود.

استراتژی امنیتی قدرت‌های فرا منطقه‌ای

قدرت‌های فرا منطقه‌ای (ایالت متحده، روسیه، چین و اتحادیه اروپا) با توجه به مساله منافع ملی و کنترل امنیت منطقه جهت حفظ دراز مدت منافع خودشان، سعی می‌نمایند که با برخی اتحادهای تاکتیکی یا استراتژیک با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس اعتبار‌زایی نمایند. با توجه به ماهیت ارتباط بین منفعت و امنیت از سوی قدرت‌های فرا منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس می‌توانیم به این نکته راهبردی اشاره نماییم که وابسته نمودن کشورهای منطقه (متحدین استراتژیک آمریکا) به اهداف قدرت‌های فرا منطقه‌ای یکی از کلیدی‌ترین این استراتژی‌هاست که سالیان سال از سویی قدرت‌های بزرگ در حال اجراست. بنابراین امنیت در منطقه عربی خلیج فارس متکی بر عوامل بیگانه و فرا منطقه‌ای می‌باشد که از آن می‌توان به امنیت وابسته، اجاره‌ای، و ناپایدار تعریف نمود. عوامل منطقه‌گرایی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را در ابتدا می‌بایست در حوزه نفوذ و برتری قدرت سیاسی بازیگران منطقه‌ای مورد بررسی قرار داد. البته ناگفته نماند که این رویکرد سیاسی در جهت حفظ موجودیت سیاسی و عدم اعتماد سیاسی نسبت به سایر بازیگران منطقه‌ای می‌باشد. از سوی دیگر ترتیبات امنیتی خلیج فارس از دیر باز



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۱۴۲

سال سیزدهم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۲

مورد توجه بازیگران بین المللی و منطقه‌ای قرار داشته است اما در پی تحولات سالهای اخیر از جمله عراق جدید و حضور نیروهای نظامی خارجی در آن، بر اهمیت این ترتیبات افزوده شده است به گونه‌ای که در سال‌های اخیر همایش‌ها و گفتگوهای امنیتی در خلیج فارس به بحث گذاشته شده است (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۹). در حقیقت، منطقه‌گرایی خلیج فارس بیش از آنکه دلایل و هنجارهای اجتماعی، فرهنگی یا مذهبی خاص خود را به لحاظ نهادی داشته باشد، تحت تأثیر ادراکات مربوط به ناامنی به‌ویژه در درون خود منطقه بوده است. حتی شورای همکاری خلیج فارس به‌مثابه بارزترین نماد منطقه‌ای‌گرایی (نابالغ) در خلیج فارس نیز به‌رغم ترسیم چشم‌انداز یکپارچگی امنیتی و دفاعی، پیشرفتی فراتر از سیاست‌های اعلامی نداشته است که یکی از عمده دلایل آن وجود بدگمانی و بی‌اعتمادی میان اعضای شوار نسبت به یکدیگر است (Miller, 2019: 36). تاکید بر امنیت درونزا از سوی کشورهای حوزه خلیج فارس از یکسو نشانه‌ای از واقع‌بینی و درک درست و منطقی از سیاست‌های فعلی و آینده در منطقه است و از سوی دیگر بر عدم وابستگی به قدرت‌های فرا منطقه‌ای و در نهایت به استراتژی امنیت درون منطقه‌ای منجر می‌گردد.

راهبرد امنیتی ایالات آمریکا متحده

بدلیل ماهیت نظامی و حضور مستقیم ایالات متحده در خلیج فارس، سیستم امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای یا امنیت درون‌زا در منطقه شکل نگرفته است. اغلب راهبردهای گذشته بر محور موازنه قدرت منطقه‌ای و به عبارت بهتر موازنه دور از ساحل^۱ تدوین شده بودند که ایالات متحده در آنها نقش موازنه‌گر را ایفا می‌نمود (Lilli, 2018: 1). اما الان نیز عواملی مانند: سنتکام، «ناوگان پنجم دریایی مستقر در بحرین»، «پایگاه‌های ایالات متحده در سطح منطقه خلیج فارس»، «ناوهای هواپیما بر اعزامی به منطقه خلیج فارس» و «رژیم صهیونیستی» پنج ساز و کار ایالات متحده برای کنترل تحولات در خلیج فارس به‌شمار می‌آیند (آجیلی و رضایی، ۱۳۹۷: ۱۸۱-۱۷۸). آمریکایی‌ها علاوه بر تامین منابع انرژی به دنبال سلطه سیاسی و نظامی در منطقه می‌باشند و در این راستا استراتژی نظامی - امنیتی ایالات متحده بصورت دوجانبه و چند جانبه با کشورهای عربی منطقه بطور مرتب در حال توسعه و تعمیق می‌باشد. واقعیت کاهش وابستگی ایالات متحده و دنیای غرب به منابع انرژی خلیج فارس، آن‌ها از پیامدهای منفی بی‌ثباتی در این منطقه مصون نمی‌سازد. از این رو، به‌رغم اعلام چندباره دونالد ترامپ

1. Offshore Balancing


 فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه دراست‌های اسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

مبنی بر واگذاری حفظ امنیت خلیج فارس به کشورهای منطقه و واردکنندگان اصلی منابع انرژی آن، هیچ نشانه‌ای دال بر تلاش ایالات متحده برای پیاده‌سازی این موضع مشاهده نمی‌شود. ترامپ در حالی حضور در خاورمیانه را بزرگترین اشتباه تاریخ ایالات متحده بر می‌شمارد (Solomon and Sexton, 2018) اعضای شورای همکاری خلیج فارس کاهش حضور نظامی مستقیم ایالات متحده در منطقه را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. اگر چه دامنه، اندازه و هدف واشنگتن از این انجام این تغییر هنوز مورد بحث است. رهبران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از یک سو حضور نظامی ایالات متحده را ضامن اصلی امنیت خلیج فارس می‌دانند و برای تداوم آن تلاش می‌کنند و از سوی دیگر به دنبال تقویت بنیان‌های نظامی و امنیتی خود در صورت ضرورت اقدام مستقل برای دفاع از امنیت خلیج فارس هستند. آمریکایی‌ها مرتب به ثبات و مشارکت نظامی در منطقه خلیج فارس تاکید نموده و خود را متعهد به آن می‌دانند. باید در نظر داشت که توجه آمریکا به منطقه خلیج فارس بر اثر انعکاس تحولات انقلاب اسلامی ایران و تزلزل در سیستم امنیتی منطقه که وابسته به غرب بوده است، بیشتر شده و از آنجا که کشورهای عربی منطقه از نظر اقتصادی، سیاسی و امنیتی، عدم ثبات سیاسی و بحران مشروعیت به غرب و آمریکا وابسته‌اند، آمریکا در منطقه توانسته از اختلافات ایران و اعراب برای رسیدن به منافع خود استفاده نماید. (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۲۷۶) و به دلیل همین بی‌ثباتی‌های کشورهای منطقه است که حضور آمریکا در منطقه به عنوان ایجاد کننده امنیت در منطقه تثبیت شده است. بهبود مناسبات دوجانبه و چند جانبه کشورهای حوزه خلیج فارس می‌تواند منجر به استراتژی خود اتکایی امنیتی مبتنی بر توانمندی‌های سیاسی و نظامی گردد. هرچند که تدوین و پیگیری آن دارای ابهامات و اما و اگرهای زیادی می‌باشد. آمریکایی‌ها با تاکید بر افتراق‌ها، دشمنی‌ها و چه بسا تناقض و تضادهای سیاسی راه‌های رسیدن به امنیت مشترک و منافع جمعی را به تعقیب می‌اندازند. تفاوت نگرش‌ها و ایدئولوژی واحدهای سیاسی و نوع راهبرد سیاست خارجی کشورهای منطقه، زمینه را برای استراتژی ائتلاف و اتحاد یا ایجاد رویکرد امنیت مشترک فراهم نمی‌نماید. در امنیت مشترک بر امنیت نظامی بیش از هر چیز تاکید می‌شود و بر موضوعاتی مانند خلع سلاح، امنیت از طریق همکاری به جای رقابت و اقداماتی برای کنار گذاشتن حملات غافلگیر کننده استوار است (عبدالله خانی، ۱۳۸۷: ۳۷۵). تلاش آمریکا این بوده که به همراهی اعضای شورای همکاری خلیج فارس، ساختار عربی بر علیه ایران را تقویت کند. ایران دخالت آمریکا و بیگانگان در منطقه را بزرگترین خطر تهدید کننده امنیت کشورها و مانع رسیدن کشورهای منطقه به تفاهم و امنیت مشترک دسته جمعی می‌داند. (معین الدینی، ۱۳۸۶: ۲۲۵). ایالات متحده در جهت حفظ



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۴۴

سال سیزدهم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۲

تداوم حضور راهبردی در منطقه از استراتژی امنیتی و القای آن به کشورهای پیرامونی برای تداوم حضور
طولیل‌المدت خود به عنوان یک سیاست راهبردی استفاده می‌نماید. ایالات متحده به هیچ وجه حاضر به
از دست دادن کنترل بر منابع و مسیرهای انتقال انرژی خلیج فارس نخواهد بود. با این همه، ترامپ بر پایه
محاسبات اقتصادی خود به فکر وادار ساختن سایر کشورهای ذی‌نفع در خلیج فارس به پرداخت بخشی
از هزینه‌های حضور ایالات متحده در منطقه است. ترامپ به خوبی آگاه است که امنیت انرژی چین در
گرو ثبات در خلیج فارس. علاوه بر چین، هند و سایر کشورهای آسیایی نیز به طور مستقیم از بی‌ثباتی
احتمالی در خلیج فارس به شدت متضرر خواهند شد. همچنین اتحادیه اروپا و به ویژه اقتصادهای بزرگی
همچون آلمان، بریتانیا، فرانسه و ایتالیا و نیز کانادا و استرالیا به رغم واردات ناچیز منابع انرژی از خلیج
فارس به دلیل درهم تنیدگی نظام سرمایه‌داری جهانی و سرایت بحران‌های اقتصادی از اخلاص احتمالی در
روند انتقال نفت و گاز خلیج فارس به بازارهای عمده مصرف به شدت متأثر خواهند شد. برای اقتصادهای
نوظهوری همچون برزیل و آفریقای جنوبی نیز وضعیت به همین گونه خواهد بود. در این میان، روسیه
جزو معدود کشورهایی است که از اخلاص در انتقال انرژی از خلیج فارس احتمالاً منتفع خواهند شد. در
شرایط فعلی، نگرانی اصلی در خلیج فارس نه تولید انرژی بلکه انتقال انرژی از این منطقه است. رشد
فزاینده تولید نفت اوپک به ویژه در کشورهای حوزه خلیج فارس و خطر سقوط قیمت‌ها، سقف سهمیه
تولید اوپک طی یک دهه گذشته را به رغم برخی فرازونشیب‌ها و استثنای محدود در مجموع کوتاه‌تر
ساخته است (نامداری و برزگر، ۱۳۹۸: ۳۱۸-۳۱۹). کنترل همه جانبه امنیت منطقه خلیج فارس برای
حفظ منافع و اهداف میان مدت و دراز مدت ایالات متحده آمریکا، در گرو عدم امنیت درونزا و برهم زدن
بازی تعاملی کشورهای منطقه می‌باشد.

ائتلاف امنیتی ایرانی-عربی

رقابت سیاسی بازیگران منطقه ای خلیج فارس از جمله مباحث مهم در بررسی امنیت کنش جمعی
تحت عنوان امنیت درونزا در این منطقه می‌باشد. موقعیت سوق الجیشی ایران و شرایط جغرافیایی
آن با کاربست آموزه های انقلاب اسلامی از جمله اصل سیاست نه شرقی و نه غربی، عدم اعتماد به
فرهنگ و ارزش های لیبرالیستی، مخالف با حضور قدرت های بزرگ در منطقه و در نهایت به چالش
کشیدن بازیگران منطقه ای با تاکید بر مخالفت بر استعمار و استبداد داخلی، زمینه رویارویی، مخالفت
و صف بندی های جدید منطقه گرایی کشورهای عربی به رهبری قدرت های منطقه ای (عربستان) و فرا


 فصلنامه علمی - پژوهشی
 مجله‌ی دانش‌های جهان اسلام

منطقه‌ای (ایالات متحده آمریکا) را تشدید نمود. بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران با هدف مقابله با حضور نیروهای نظامی خارجی به طور مستمر خواهان خروج نیروهای بیگانه از منطقه و عدم مداخله دولت‌های فرا منطقه‌ای در امور خلیج فارس بوده است. ایران همواره معتقد است که کشورهای منطقه با همکاری با هم، بهتر می‌توانند امنیت منطقه را تأمین کنند (رهبر و صحیح‌النسب، ۱۳۹۳: ۲۴۵). اما این استراتژی ایران مورد قبول کشورهای منطقه قرار نگرفته و آن را در چارچوب سیاست هزمونی منطقه‌ای ایران می‌دانند. بنابراین قدرت‌های منطقه‌ای از جمله عربستان سعی نموده‌اند با ایجاد ائتلاف منطقه‌ای کشورهای عربی به مقابله با سیاست‌های ایران بپردازند. عربستان به عنوان یکی از بازیگران رقیب و مخالف منطقه‌ای ایران به دنبال آن است که با محوریت عربی - اسلامی، خطوط متمایز امنیتی - سیاسی بر علیه ایران را در حوزه خاورمیانه به خصوص در کشورهای عربی خلیج فارس تعقیب و تثبیت نماید. نخبگان سیاسی در عربستان سعودی تلاش دارند با همکاری ایالات متحده و ائتلاف با آمریکا، اسرائیل و ترکیه علیه منافع و امنیت جمهوری اسلامی اقدام نمایند. به عبارتی، الگوی حاکم بر سیاست خارجی عربستان سعودی بر اساس درک و تصور نخبگان سیاسی این کشور از تهدیدات و ایجاد ائتلاف و یا اتحاد برای مقابله با این بحران‌ها می‌باشد (کریمی فرد، ۱۳۹۵: ۸۲). بنابراین عربستان با تأکید بر امنیت منطقه‌ای به عنوان تداوم امنیت ملی به دنبال: حل و فصل مشکلات و اختلافات مرزی، هماهنگی اقتصادی دولت‌های عربی منطقه در چارچوب قراردادهای دوجانبه و چندجانبه و در نهایت هماهنگی سیاست خارجی این کشورها در زمینه‌های نفت و امنیت می‌باشد. از دهه ۱۹۸۰ م. به بعد، هر چند مقامات عربستان یک هویت اسلامی - عربی را دنبال می‌کنند ولی منافع خود را در راه همکاری با قدرت‌های بزرگ مصرف‌کننده نفت در اروپا و آمریکا می‌بینند و کمتر به همکاری و ایجاد رابطه با کشورهای منطقه نظر دارند و این تعارض آن را با بعضی بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران تشدید می‌کند. نکته اتکای عربستان، دیپلماسی نفت و پیوند با غرب و ایالات متحده و نکته اتکای ایران بهره‌گیری از گروه‌های مبارز و قدرتمند مورد حمایت بوده است. در عرصه روابط بین‌المللی نیز کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس همواره از مشتریان ثابت قدرت‌های غربی در زمینه خرید تسلیحات نظامی هستند و حتی این خریده‌ها جنبه رقابتی و انفرادی میان قدرت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس را پدید آورده است. هر عضوی از شورای همکاری خلیج فارس، شیوه مستقلی را برای کسب آموزش و ساختار نیروهایش اتخاذ کرده و ترتیبات یک جانبه‌ای را با قدرت‌ها و شرکت‌های غربی برای برآوردن نیازها و کسب تضمین‌های امنیتی به وجود آورده است. می‌توان گفت ترتیبات امنیتی در شورای همکاری خلیج فارس بیشتر متکی بر

قدرت‌های خارجی است تا همکاری درونی و منطقه‌ای» (مایل افشار و عزتی، ۱۳۸۹: ۵۸). همچنین این وابستگی بیشتر بر تقویت تجهیزات نظامی و افزایش خرید تسلیحاتی متکی می‌باشد و استراتژی تقویت نظامی در حوزه خلیج فارس از یکسو کشورهای عربی منطقه را تبدیل به مشتریان دائمی خرید نظامی نموده و از سوی دیگر به وابستگی امنیتی بیشتر آنها به قدرت‌های خارجی شده است. بر اساس آمار موسسه تحقیقاتی صلح بین‌المللی استکهلم، عربستان سعودی، یکی از ۱۵ کشور برتر جهان در خریدهای تسلیحاتی در سال ۲۰۰۸ م. بوده است. این کشور در رده نهم جهانی ایستاده و مبلغی بالغ بر ۳۸/۲ میلیارد دلار را برای پروژه‌های تسلیحاتی خرج کرده است. برای اینکه ترتیبات امنیت دسته جمعی و همگرایی در منطقه به صورت بومی شود باید تعبیر واحدی از امنیت و ناامنی در بین منطقه ارائه شود و امنیت و ناامنی کشورهای منطقه برای هم مهم باشد، همچنین بازیگران مشخص باشند و نقش مشخصی هم داشته باشند، عوامل همکاری در بین کشورهای منطقه بر عوامل تضاد آفرین برتری پیدا کنند، یک سری برنامه‌های امنیتی هماهنگ ایجاد شود و مدیریت و کنترل منطقه در بین اعضا به صورت بومی شود. (برزگر، ۱۳۸۶: ۶۵) تاکید بر رویکردی جدید از کنش امنیت جمعی میان بازیگران منطقه ای در خلیج فارس می‌تواند منجر به رشد و تقویت همکاری‌های متنوع در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی گردد و بدر نتیجه منجر به کاهش چالش‌های امنیتی پیش روی بازیگران منطقه ای گردد.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۱۴۶

سال سیزدهم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۲

نتیجه گیری

خلیج فارس از زمان کشف نفت و استخراج منابع فسیلی و شکل گیری واحدهای سیاسی جدید بخصوص در قرن بیستم، فاقد الگوی امنیت درونزا بوده و ثبات و راهبرد امنیتی در آن تحت تأثیر دیدگاههای قدرت بزرگ قرار داشته است. به دلیل وجود قدرت های منطقه ای و نگرش اختلاف گرایانه آنها، رویکرد امنیتی کشورهای خلیج فارس مبتنی بر وابستگی سیاسی و نظامی به بلوک های قدرت و بازیگران فرامنطقه ای بوده است. این نگرش همیشه از سوی کشورهایی مثل ایران مورد نکوهش قرار گرفته و با تأکید بر امنیت درونزا سعی گردیده است که کشورهای منطقه به یک راهبرد امنیتی منطقه ای دست پیدا نمایند. بنابراین نقش قدرت های بازیگر منطقه ای و همسو با تداوم و حضور قدرتهای فرامنطقه ای در منطقه خلیج فارس یکی از عوامل مهم و اساسی در این رویه امنیتی بوده است. بطوریکه قدرت های فرامنطقه ای با تدوین نیازهای امنیتی بازیگران منطقه ای، سعی می نمایند که با تغییر و تعریف شرایط و موقعیت های جدید امنیتی، بر حضور و ماندگاری خود در این منطقه استراتژیک مداومت نمایند. بنابراین امنیت درونزا در ابتدا به تعریف جدیدی از امنیت خود انکای مبتنی بر ائتلاف قدرت های بزرگ و کوچک منطقه ای بر می گردد تا در نهایت با سازکار های جدید بر کاهش نقش عوامل خارجی مبادرت نمایند. البته این استراتژی ریشه در کاهش تنش ها و ایجاد اعتماد دوسویه و رویه های مذاکره و دیپلماسی در یک فرایند میان مدت و طولانی مدت دارد.



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراستد العالم الاسلامی
پژوهشهای یاسی جهان اسلام

منابع

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۷۲). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، ترجمه پژوهش‌های اجتماعی، تهران؛ نشر پیش.
۲. اسدی، بیژن (۱۳۸۱). خلیج فارس و مسائل آن، تهران؛ انتشارات سمت.
۳. ازغندی، علیرضا، آقاخانی، مهدی (۱۳۹۲). بررسی عوامل منطقه ای واگرایی در روابط ایران و جهان (۱۳۸۴-۱۳۹۰). فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۲، صفحات ۲۴۳-۲۵۵.
۴. برزگر، کیهان (۱۳۸۶). ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه ای خلیج فارس، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۳، صص ۵۹-۷۵.
۵. بوزان، باری (۱۳۸۷). مردم، دولت‌ها و هراس، تهران؛ ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۳). ماهیت اتحادها در خاور میانه؛ قدرت یا هویت؟ فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۷، شماره ۶۵، صص ۱۷۱-۱۹۶.
۷. رهبر و صحیح النسب، عباسعلی و جواد (۱۳۹۳). بررسی چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان در خلیج فارس، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دوره ۷، شماره ۲۶.
۸. سریع القلم، محمود (۱۳۷۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازنگری و پارادیم ائتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۹. سیمبر، رضا (۱۳۸۵). منطقه گرایی و صلح سازی در جهان با تاکید بر خلیج فارس، فصلنامه چشم انداز جغرافیایی، شماره ۱، بهار.
۱۰. ظهرا البوشی، عبدالله (۱۳۷۸). مجموعه مقالات دهمین همایش بین المللی خلیج فارس، تهران، ترجمه جمشید زنگنه، مرکز مطالعات خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۱۱. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت، تهران؛ موسسه مطالعاتی و تحقیقاتی بین الملل ابرار معاصر.
۱۲. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳). کتاب آمریکا (۲) ویژه سیاست‌های امنیتی ایالات متحده در عراق، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار، تهران، انتشارات ابرار، چاپ اول.
۱۳. کریمی فرد، حسین (۱۳۹۵). تبیین رئالیستی سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال بحران‌های خاور میانه (۱۳۰۵-۱۹۷۹)، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره بیست و یکم، صص ۱۰۹-۷۹.
۱۴. مایل افشار، فرحناز، عزت الله، عزتی (۱۳۸۹). تحلیلی بر نقش قدرتهای مداخله گر در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال هفتم، شماره ۲، صص ۷۶-۵۳.
۱۵. مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۹). ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایران، مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، تهران، نشر نی، چاپ اول.
۱۶. ملک محمدی، حمیدرضا، مدنی، سید مهدی (۱۳۹۱). فرهنگ حاکم بر تعاملات ایران و عربستان از منظر تحلیل سازه انگارانه، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۴، صص ۷۸-۶۱.
۱۷. مورگان، پاتریک، لیک، دیوید (۱۳۸۱). نظم‌های منطقه‌ای امنیت سازی در جهان نوین، ترجمه سید جلال دهقانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۴۸

سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

۱۸. معین الدینی، جواد (۱۳۸۶). دگرگونی ژئوپلیتیک خاورمیانه و امنیت خلیج فارس، فصلنامه سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۵-۲۲۶.

موسوی، سید حسین (۱۳۸۶). الگوی امنیت منطقه ای در خلیج فارس، تجربه ها و موانع، فصلنامه راهبردی، سال دهم، شماره ۴، صص ۸۶۶-۸۳۱.

نصوحیان، محمد مهدی (۱۳۸۶). موانع همگرایی و ثبات در منطقه خلیج فارس، فصلنامه ره آورد سیاسی، شماره ۱۷، صص ۱۶۲-۱۴۳.

هرسیج، حسین، ابراهیمی پور، نوعی باغبان، مرتضی (۱۳۹۳). روابط کشورهای عرب منطقه ی خلیج فارس و ایران از منظر منطقه گرایی، فصلنامه سیاست دفاعی، سال بیست و دوم، شماره ۸۸، صص ۳۸-۹.

واعظی، محمود (۱۳۸۵). ترتیبات امنیتی خلیج فارس، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۰، صص ۲۳-۳۶.

۳- منابع انگلیسی:

1. Buzan, Barry (1991) People, States, and Fear: The Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era., ST edion Hertfordshire: Harvester Wheatsheaf, 1991 and 2008.
 2. Buzan, B. and Weaver, O. (2003), Regions and Powers: The Structure of International Security, Cambridge: Cambridge University Press.
 3. CrossRef Wendt (1995), 'Building International Politics', International Security, Vol. 20, no 1 (Summer 1995).
 4. De Witte, B. (2015), "Network Games, Information Spread and Endogenous Security, Master Thesis Applied Mathematics Faculty of Electrical Engineering", Mathematics and Computer Science (EEMCS), University of Twente, Available at: <https://www.utwente.nl/en/eemcs/sacs/teaching/Thesis/witte.pdf> [accessed 2 September 2020].
 5. Miller, R. (2019), "Managing Regional Conflict: The Gulf Cooperation Council and the Embargo of Qatar", Global Policy, 10(2): 36-45, DOI: 10.1111/1758-5899.12674.
- <https://www.entekhab.ir/fa/news/690635>.
- <https://www.entekhab.ir/fa/news/600988>.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۱۰۶

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

موسوی، سید محمد؛ زارعی، غفار؛ روانبد، امین (۱۴۰۲)، «راهبرد کنش امنیتی بازیگران خلیج فارس بر اهداف قدرت های فرا منطقه‌ای» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۳، ش ۳، پاییز ۱۴۰۲، صص ۱۴۹-۱۳۱.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
جمعیت دراست العالم الاسلامی

۱۴۹

راهبرد کنش امنیتی بازیگران خلیج فارس بر اهداف قدرتهای ...